

دردسترس بودن عاطفی والدین و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان: نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری بیان هیجانات و پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان

Emotional Availability of Parents and Adolescents Psychological Well-being: The Mediating Role of Emotional Expressive Flexibility and Perceived Peer Acceptance

Maryam Safari Shirazi

Ph.D. Candidate of Psychology
Lorestan University

Leila Shameli PhD

Salman Farsi University of
Kazerun

لیلا شاملی*

استادیار گروه روان‌شناسی
دانشگاه سلمان فارسی کازرون

مریم صفری شیرازی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی
دانشگاه لرستان

Marziyeh Sadeghzadeh, PhD

Salman Farsi University of Kazerun

مرصیه صادق زاده

استادیار گروه روان‌شناسی
دانشگاه سلمان فارسی کازرون

چکیده

هدف این پژوهش تعیین نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری بیان هیجانات و پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان در رابطه بین دردسترس بودن عاطفی والدین با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان بود. شرکت‌کنندگان پژوهش، ۴۱۰ نوجوان دختر ۱۶-۱۱ سال شهر شیراز بودند که به روش نمونه‌برداری دردسترس انتخاب شدند. پژوهش از نوع مقطعی با روش تحلیل مسیر برای بررسی روابط بین متغیرها و ابزار پژوهش پرسشنامه دردسترس بودن عاطفی والدین (لوم و فارس، ۲۰۰۵)، مقیاس بیانگری منعطف کودک و نوجوان (وانگ و هاوک، ۲۰۲۰)، فرم کوتاه مقیاس بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان (گومز-لوپز و دیگران، ۲۰۱۹) و مقیاس پذیرش ادراک‌شده (بروک و دیگران، ۱۹۹۸) بود. نتایج حاکی از نقش واسطه‌ای تقویت و سرکوب بیان هیجانات و پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان در رابطه بین دردسترس بودن عاطفی مادر و پدر با بهزیستی روان‌شناختی بود. همچنین دردسترس بودن عاطفی مادر و پدر به صورت غیرمستقیم و تنها با واسطه‌گری سرکوب بیان هیجانات، پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان را در نوجوانان پیش‌بینی کرد. براین اساس می‌توان با آموزش به والدین در زمینه ارتقای تعاملات والد-فرزند، مهارت‌های تنظیم بیان هیجانات، میزان پذیرش اجتماعی و بهزیستی را در نوجوانان افزایش داد.

واژه‌های کلیدی: انعطاف‌پذیری بیان هیجانات، بهزیستی روان‌شناختی، پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان، دردسترس بودن عاطفی والدین

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of expressive flexibility and perceived peer acceptance in the relationship between emotional availability of parents and psychological well-being of adolescents. The participants were 410 teenage girls aged 11-16 years old in Shiraz, who were selected by convenience sampling. The research was a cross-sectional type with path analysis method to investigate the relationships between variables and the research tools included The Lum Emotional Availability of Parents scale (Lum & Phares, 2005), Child and Adolescent Flexible Expressiveness Scale (Wang & Hawk, 2020), Brief Scale of Psychological Well-Being for Adolescents (Gómez-López et al., 2019), and Perceived Acceptance Scale (Brock et al., 1998). The results showed the mediating role of enhancement and suppression and perceived peer acceptance in the relationship between emotional availability of mother and father with psychological well-being. Also, mother's and father's emotional availability predicted the perceived peer acceptance indirectly and only through the mediation of emotional suppression in adolescents. Therefore, it is possible to increase emotion expression, social acceptance and well-being by training parents in the field of improving parent-child interactions.

Keywords: expressive flexibility, well-being, perceived peer acceptance, emotional availability of parents

received: 30 July 2022

accepted: 21 April 2024

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲

*Contact information: dr.shameli@kazerunsfu.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی است.

مقدمه

و رفتاری فرد نقش دارند، می‌توانند در رابطه بین دردسترس بودن عاطفی والدین و جنبه‌هایی از روابط بین فردی و بهزیستی تأثیر داشته باشند.

شواهد نیز نشان می‌دهد بازخورد والدگری پذیرش‌گر و حمایت‌کننده با مهارت نظم‌جویی هیجان سازش‌یافته مرتبط است (حاجال و پالی، ۲۰۲۰). نمادهای دلبستگی که از نظر عاطفی در دسترس و پشتیبان هستند، مهارت‌های نظم‌جویی هیجانی را هم در واقعیت و هم به صورت نمادین از طریق تقویت احساس امنیت، گسترش و پرورش می‌دهند (ده‌بزرگی و داوودی، ۲۰۲۰؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۱۲). با وجود این، پژوهش‌های مربوط به والدین غالباً بر مادران متمرکز است و به سهم منحصر به فرد و متفاوت پدران برای ارتقای نظم‌جویی هیجان فرزندان کمتر توجه شده است (ون لیزا، کایزر، ون لیر، میوس و برانژه، ۲۰۱۹). اخیراً این موضوع مطرح شده که کودکان ممکن است نظم‌جویی هیجان را از طریق پدر و مادر به‌طور جداگانه تجربه کنند. به همین دلیل، شناسایی واریانس پیش‌بینی‌کننده منحصر به فرد دردسترس بودن عاطفی مادر و پدر به‌طور جداگانه در ایجاد توانایی نظم‌جویی هیجان در نوجوانان از اهمیت زیادی برخوردار است.

ساختار تنظیم هیجان از ابعاد مختلف با کارکرد متفاوتی تشکیل شده است. تقویت^۵ و سرکوب^۶ بیان هیجانات دو راهبرد تنظیم بیان ظاهری هیجانات است که اثرات روانی و اجتماعی متفاوتی برجای می‌گذارد (بونانو، پاپا، لالانده، وستفال و کویفمن، ۲۰۰۴). ممکن است فرد هنگام دریافت هدیه‌ای نه‌چندان خوشایند در بیان هیجان مثبت خود اغراق یا از نشان دادن تهییج هیجانی نسبت به دوستان اجتناب کند؛ بنابراین، هم تقویت و هم سرکوب بیان ظاهری هیجان، از مؤلفه‌های مشترک در تعاملات اجتماعی روزمره است (ماتسوموتو، یو و ناکاگاوا، ۲۰۰۸؛ وانگ و هاوک، ۲۰۲۰ الف). با این حال، در پژوهش‌های

ارتباط بین رفتارهای والدین و کنش‌وری هیجانی / رفتاری فرزندان برای دهه‌ها مورد تصدیق واقع شده است (سان، ۲۰۲۰). با وجود این، بررسی‌های مربوط به تأثیر ویژگی‌های والدین بر کنش‌وری هیجانی و رفتاری نوجوانان نسبتاً پراکنده است (گوکچه و بیلماز، ۲۰۱۸). طبق نظریه دلبستگی^۱ بالبی (۱۹۶۹)، تحول اجتماعی و روانی کودک تحت تأثیر پیوند رابطه عاطفی او با مراقب اصلی است. از نظر بالبی (۱۹۶۹)، هنگامی که مراقب اصلی در مواقع نیاز پاسخگو و راحت باشد کودک امنیت را تجربه می‌کند. در واقع می‌توان گفت که ادراک در دسترس بودن عاطفی^۲ والدین به‌نوعی شاخصی از دلبستگی است زیرا این ساختار عنصری اساسی برای ایجاد دلبستگی است (بریترتون، ۲۰۰۰). در دسترس بودن عاطفی بر موضوعاتی مانند واکنش‌ها و حساسیت خانواده، ساختاردهی، مربیگری، عدم مداخله و رفتار خصومت‌آمیز نسبت به فرزند متمرکز است (گوکچه و بیلماز، ۲۰۱۸).

پژوهش‌ها پیامدهای منفی در دسترس نبودن عاطفی والدین در کودکان (زیو، کپس‌آمفلت، اولارته و ونزا، ۲۰۱۸) و نوجوانان و جوانان (موریس، هولتبرگ، کریس و بوسلر، ۲۰۱۷) را بررسی کرده‌اند و نشان داده‌اند دردسترس بودن عاطفی با سلامت روان‌شناختی کودک و نوجوان، مهارت‌های انطباقی و کنش‌وری صحیح آن‌ها (ازدوگان، ۲۰۲۰؛ سیدموسوی و نوری‌مقدم، ۲۰۱۶)، علائم افسردگی، اضطراب و مشکلات بین‌فردی و روابط اجتماعی از طریق بازنمایی ذهنی^۳ (آران، لویس، واتسون و گالبالی، ۲۰۲۱) ارتباط نزدیکی دارد. این ادبیات نشان‌دهنده تأثیر در دسترس بودن عاطفی والدین بر جنبه‌های مختلف حوزه‌های عاطفی و رفتاری کودک و نوجوان است. از این‌رو، عواملی همچون متغیرهای مرتبط با نظم‌جویی هیجان^۴ که در سازمان‌دهی عاطفی

1 - attachment theory
2 - emotional availability
3 - mental representation

4 - emotion regulation
5 - enhancement
6 - suppression

مورد توجه قرار گیرد.

در این باره می‌توان گفت که در سال‌های اول زندگی، کودک حمایت بیشتری را از جانب والدین دریافت می‌کند و پدر و مادر تغییرات ایجاد شده را هدایت می‌کنند؛ اما هنگامی که کودک به سن نوجوانی می‌رسد در تعامل فرزند با والدین تغییرات چشمگیری رخ می‌دهد. تمرکز نوجوان از خانواده به سمت شبکه‌ی دوستان و همسالان تغییر می‌کند (بلک مور و میلز، ۲۰۱۴). در واقع می‌توان گفت که ایجاد روابط سالم با همسالان و پذیرش از جانب آن‌ها به یکی از مهم‌ترین تکالیف این مرحله تبدیل می‌شود (وانگ، هاوک و زونگ، ۲۰۲۰). باوجود این، اگرچه می‌توان گفت که دوران نوجوانی با تمایل روزافزون به خودمختاری و استقلال از والدین مشخص می‌شود (گو، گیلورن و کامپیون-بار، ۲۰۲۲)، اما حفظ روابط نزدیک و مثبت با والدین و همچنین حمایت و دسترسی‌پذیری عاطفی والدین در طول این مرحله از زندگی برای بهزیستی و موفقیت وی در تعاملات اجتماعی بسیار مهم است (بار-تور، ایفراه، مور و کاتزمن، ۲۰۱۹؛ ویموت، بوهرلر، ژو و هنسن، ۲۰۱۶).

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، نوجوانی مرحله‌ای ارزشمند در فرایند تحول و دوره‌ای حیاتی برای زندگی و بهزیستی فرد است (پیتون و دیگران، ۲۰۱۶؛ رضایی ورمزیار، ۲۰۱۸)، اما دسته‌بندی افراد در روان‌شناسی به‌طور سنتی از نظر آسیب‌شناسی روانی و اختلال کنش‌وری انجام می‌پذیرد (سلیگمن و چیکستمنیهالی، ۲۰۰۰)؛ دوران نوجوانی نیز از این قاعده مستثنی نیست و این مرحله تحول به‌عنوان دوره‌ای مملو از مشکلات و سختی‌ها در نظر گرفته می‌شود (اتکین، دکالوی، ایبانز، اورتت و مزکیتا، ۲۰۲۲). پژوهش‌های پیشین اطلاعات زیادی را در ارتباط با عوامل خطر، رفتار مختل و راه‌حل‌های پیشگیری از اختلالات در دوره نوجوانی ارائه داده است، اما دانش موجود در زمینه کنش‌وری مطلوب و پیشرفت در این دوره به میزان قابل توجهی محدودتر و به این تصور

پیشین بیشتر بر تنظیم هیجانات درونی متمرکز است و تنظیم بیان بیرونی هیجانات نسبتاً نادیده گرفته شده است (بونانو و دیگران، ۲۰۰۴). بیان ظاهری هیجان به‌عنوان یک پیام‌رسان اجتماعی مهم در تعاملات بین‌فردی عمل می‌کند (وانگ و هاوک، ۲۰۲۰ الف). باوجود این، اثرات هر راهبرد تنظیمی خاص در موقعیت‌ها، فرهنگ‌ها و افراد مختلف متفاوت است (استریکلند و اسکولنیک، ۲۰۲۰؛ چن، چن و بونانو، ۲۰۱۸) و مناسب بودن راهبردهای خاص مبتنی بر موقعیت موجب این نتیجه‌گیری شده که انعطاف‌پذیری در بیان هیجانات^۱ در مقایسه با کاربرد جداگانه هریک از مهارت‌های تقویت و سرکوب هیجان‌ها، به‌عنوان شاخص قدرتمندتری برای نظم‌جویی هیجان محسوب شود (بونانو و دیگران، ۲۰۰۴). برای مثال، در آزمایش طولی وانگ و هاوک (۲۰۲۰ الف) نشان داده شد که توانایی انعطاف‌پذیر در بیان هیجانات به روابط مثبت با همسالان و پذیرش از جانب آنان در اواخر کودکی و اوایل نوجوانی منجر می‌شود. همچنین، پری-پریش و دیگران (۲۰۱۷) عنوان کردند توانایی بالاتر نوجوانان در تنظیم هیجانات ظاهری، تعاملات موفق‌تر با همسالان را پیش‌بینی می‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد مهارت بالاتر انعطاف‌پذیری بیان هیجانات، با پیامدهای اجتماعی-هیجانی، سازش‌یافتگی و بهزیستی روان‌شناختی^۲ بهتری همراه است (مک‌ماهون، کریون و گالاگر، ۲۰۲۰). نظم‌جویی هیجان نوعی تکلیف اساسی تحولی است و بهبود توانایی نظم‌جویی هیجان می‌تواند به‌عنوان اهرمی برای برنامه‌های مداخله و پیشگیری نوجوانان در نظر گرفته شود. با این حال تا به امروز، اطلاعات کمی در زمینه انعطاف‌پذیری بیان هیجانات در نوجوانان وجود دارد و از آنجایی که نوجوانی دوره حساسی برای گسترش مهارت‌های اجتماعی و هیجانی است، مطالعه ویژگی‌ها و کارکردهای انعطاف در بیان هیجانی، پیامدها و پیشایندهای آن (مثلاً ویژگی‌های والدین) بایستی در این مرحله بیشتر

که نوجوان سالم فردی است که هیچ‌گونه مشکلی ندارد دامن می‌زند (دورسکی و دیگران، ۲۰۱۹)، اما این نکته را باید مدنظر قرار داد که کنش‌وری مطلوب در دوران بلوغ چیزی بیش از نبود مشکلات، رنج‌ها یا آسیب‌شناسی روانی است (سلیگمن، ۲۰۰۸). در این رابطه، ظهور و گسترش روان‌شناسی مثبت‌نگر به‌ویژه در دهه‌های اخیر منجر به افزایش پژوهش‌ها در زمینه بهزیستی شده و دو روی‌آورد نظری را تولید کرده است: لذت‌گرایی^۱ و کمال‌گرایی^۲ (ریف، ۲۰۱۷). از منظر لذت‌گرایی، بهزیستی به‌عنوان تجربه سطوح بالایی از عاطفه مثبت، سطوح پایین عاطفه منفی و درجات بالای رضایت از زندگی تعریف می‌شود (دسی و رایان، ۲۰۰۸). در حالی که از منظر دیدگاه کمال‌گرایی، بهزیستی پیامد یا وضعیت نهایی نیست بلکه فرایند تحقق ظرفیت‌های انسانی است (ریف، ۲۰۱۷).

بررسی‌های پیشین که عمدتاً بر روی جمعیت بزرگسال متمرکز بوده، نشان داده است بهزیستی روان‌شناختی - که بر ادراک بُعد کمال‌گرایی مبتنی است - پیش‌بینی‌کننده قابل‌اطمینان سلامت و سازش‌یافتگی مثبت طولانی مدت است (ریف، ۲۰۱۷). در پژوهش طولی کیم و سیچتی (۲۰۱۰) نیز اهمیت خانواده در روابط نوجوان با همسالان و بهزیستی وی آشکار شده است. همچنین نکته دیگری که بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که اکثر مطالعات در زمینه نظریه‌های تنظیم بیان ظاهری هیجان در ادبیات غربی متمرکز است در حالی که هر کشوری دارای ارزش‌های فرهنگی متمایز خود است (راتبام و وانگ، ۲۰۱۲). دیدگاه‌های هر فرهنگ تعیین‌کننده نحوه برخورد والدین با فرزندان و نحوه درک آن‌ها از نقش خود به‌عنوان سرپرست است (ترومزدروف، کول و هی کامپ، ۲۰۱۲). از آنجا که ارزش‌های فرهنگی در نحوه پاسخ‌دهی والدین به نیازها و هیجانات فرزندان مؤثر است (پالمر، اوسترهاف، باور، کاپلا و آلفانو، ۲۰۱۸)، می‌توان انتظار داشت زمینه‌های فرهنگی بر نحوه نظم‌جویی

هیجان در فرزندان تأثیر بگذارد.

در مجموع، با توجه به اینکه رشد و پرورش جوانان سالم و پویا برای رفاه اقتصادی و اجتماعی آینده هر جامعه‌ای ضروری است، شناسایی و سرمایه‌گذاری در زمینه عواملی که موجب ارتقاء بهزیستی در سنین قبل از بزرگسالی می‌شوند یک زمینه مهم پژوهش است (کنینگ، دنی، بولن، کلارک و راسن، ۲۰۱۲). از این‌رو پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری بیان هیجانات و پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان در رابطه بین دردسترس بودن عاطفی والدین با بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان انجام شد. در این پژوهش فرض بر این بود که دردسترس بودن عاطفی بیشتر والدین با انعطاف‌پذیری بیان هیجانات بالاتر مرتبط است که به‌نوبه خود موجب افزایش درک نوجوانان از پذیرش همسالان و سپس بهزیستی روان‌شناختی خواهد شد.

روش

جامعه این پژوهش دختران نوجوان ۱۱ تا ۱۶ ساله شهر شیراز در سال ۱۴۰۰ بود. برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار محاسبه‌گر حجم نمونه برای مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد (سایپر، ۲۰۲۱) و تعداد ۴۳۶ نفر برای گروه نمونه در نظر گرفته شد که پس از درنظر گرفتن ملاک‌های ورود و خروج و داده‌های دورافتاده، ۲۶ نفر حذف شدند. میانگین و انحراف استاندارد سن آزمودنی‌ها به ترتیب ۱۳/۸۵ و ۱/۷۷ سال بود. همچنین از میان شرکت‌کنندگان در پژوهش، ۱۱/۹ درصد پایه پنجم، ۱۷/۵ درصد پایه ششم، ۱۳/۵ درصد پایه هفتم، ۱۴/۵ درصد پایه هشتم، ۱۵/۸ درصد پایه نهم و ۲۶/۸ درصد در پایه دهم تحصیلی قرار داشتند. روش نمونه‌برداری به‌صورت دردسترس بود و شرکت‌کنندگان با رعایت شرایط و معیارهای ورود و خروج انتخاب شدند. ملاک‌های ورود در پژوهش دختران در بازه سنی ۱۱ تا ۱۶ سال، سکونت در شهر شیراز، رضایت از

آن غذا لذت می‌برم) و فرونشانی یا سرکوب (۶ ماده، برای مثال: من می‌توانم در دعوا بروز عصبانیت خودم را کنترل کنم تا به این وسیله جلوی بدتر شدن اوضاع را بگیرم) تشکیل شده است و با استفاده از مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای از ۱ (در مورد من اصلاً درست نیست) تا ۵ (در مورد من کاملاً درست است) نمره‌گذاری می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس تقویت ۰/۷۳ و سرکوب ۰/۷۲ و اعتبار بازآزمایی برای زیرمقیاس تقویت ۰/۷۳ و برای زیرمقیاس سرکوب ۰/۶۸ به‌دست آمده است (وانگ و هاوک ۲۰۲۰ ب). نمرات تقویت و سرکوب با مجموع موارد مربوطه در هر زیرمقیاس محاسبه می‌شود. از آنجایی که نسخه فارسی این مقیاس در ایران دردسترس نیست، روایی و اعتبار آن در این پژوهش بررسی شد؛ برای بررسی اعتبار از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس تقویت ۰/۹۱ و زیرمقیاس سرکوب ۰/۸۱ محاسبه شد. همچنین جهت بررسی روایی، تحلیل عامل تأییدی انجام شد. چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود تمامی شاخص‌های برازش این مقیاس نیز از مقادیر مطلوبی برخوردار بود.

فرم کوتاه مقیاس بهزیستی

روان‌شناختی نوجوانان^۳ (گومز-لوپز، ویجو و اورتگا-روئیز، ۲۰۱۹). این ابزار با استفاده از پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹)، توسط گومز-لوپز و دیگران در سال ۲۰۱۹ طراحی شده و ۲۰ ماده آن با لیکرت شش گزینه‌ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۶ (کاملاً موافق) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و میزان موافقت پاسخ‌دهندگان را در چهار بعد پذیرش خود^۴ (ماده‌های ۱ تا ۵، برای نمونه، به‌طور کلی نسبت به خودم احساس اطمینان و مثبتی دارم)؛ روابط بین‌فردی مثبت^۵ (ماده‌های ۶ تا ۱۰، برای نمونه، وقتی نیاز به صحبت کردن دارم افراد زیادی را

شرکت در پژوهش، زندگی با هر دو والد و ملاک‌های خروج سابقه مشکلات روانی در شرکت‌کننده و والدین و میزان تحصیلات پایین‌تر از دیپلم والدین بود. ابزارهای این پژوهش عبارت بودند از:

مقیاس دردسترس بودن عاطفی

والدین لوم^۱ (لوم و فارس، ۲۰۰۵). این مقیاس ۱۵ ماده دارد (برای نمونه: چیزهایی که برای من مهم است را به خاطر دارد) و با استفاده از مقیاس لیکرت ۶ گزینه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۶ (همیشه)، بینش و نظرات شرکت‌کننده را در زمینه جنبه‌های مختلف دردسترس بودن عاطفی والدین خود می‌سنجد. این مقیاس برای کودکان، نوجوانان و نوجوانان بزرگسال طراحی شده است. در پژوهش لوم و فارس (۲۰۰۵)، این ابزار ساختار واحدی را نشان داد و ضرایب آلفای کرونباخ در نمونه غیربالینی برای فرم مادر ۰/۹۶ و برای فرم پدر ۰/۹۷ به‌دست آمد. نمرات بالاتر در مقیاس نشان‌دهنده بیشتر بودن میزان دردسترس بودن عاطفی والدین است. از آنجایی که نسخه فارسی این مقیاس در ایران دردسترس نیست، روایی و اعتبار آن در این پژوهش بررسی شد؛ برای بررسی اعتبار، از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب آلفای کرونباخ برای فرم مادر ۰/۹۸ و برای فرم پدر ۰/۹۴ محاسبه شد. همچنین جهت بررسی روایی، تحلیل عامل تأییدی انجام شد. چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش محاسبه شده از مقادیر مطلوبی برخوردار بود.

مقیاس بیانگری منعطف کودک و

نوجوان^۲ (وانگ و هاوک، ۲۰۲۰ ب). این مقیاس برای سنجش میزان انعطاف‌پذیری بیان هیجانات طراحی شده است و شامل ۱۳ ماده و از دو زیرمقیاس ارتقاء یا تقویت (۷ ماده، برای مثال: اگر کسی تلاش زیادی برای پختن یک غذا کرده باشد ولی طعم آن خیلی خوب نباشد، باز هم می‌توانم وانمود کنم که از

1 - The Lum Emotional Availability of Parents Scale
2 - The Child and Adolescent Flexible Expressiveness Scale (CAFE)

3 - Brief Scale of Psychological Well-Being for Adolescents (BSPWB-A)
4 - self-acceptance
5 - positive relations with others

دردسترس نیست، روایی و اعتبار آن در این پژوهش بررسی شد؛ ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی اعتبار محاسبه شد که مقدار آن برای این زیرمقیاس مانند نسخه اصلی آن، ۰/۹۲ به دست آمد. جهت بررسی روایی نیز از روش تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. شاخص‌های نیکویی برازش در این مقیاس نیز از مقادیر مطلوبی برخوردار بود (جدول ۱).

روابط بین متغیرها با آزمون همبستگی پیرسون و مدل پژوهش با استفاده از روش تحلیل مسیر بررسی شد.

یافته‌ها

جدول ۲، اندازه‌های توصیفی میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی و آزمون هم‌خطی متغیرها را در گروه نمونه نشان می‌دهد. نتایج حاصل در جدول ۲ حاکی از آن است که مقادیر کجی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه ± 1 قرار دارند و نشان‌دهنده توزیع بهنجار متغیرهای این پژوهش است (کلاسن، ۲۰۱۵). هم‌چنین، چنانچه شاخص تحمل بیشتر از ۰/۱ و شاخص تورم کمتر از ۱۰ باشد مفروضه عدم هم‌خطی رعایت شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود با توجه به شاخص تحمل و تورم واریانس مفروضه عدم هم‌خطی بین متغیرها نیز برقرار است. هم‌چنین از آزمون دوربین - واتسون برای بررسی استقلال خطاها استفاده شد. در صورتی که مقدار آزمون دوربین - واتسون کمتر از ۴ باشد مفروضه استقلال خطاها رعایت شده است. مقدار شاخص دوربین - واتسون برای متغیر ملاک بهزیستی روان‌شناختی، ۱/۶ بود. در جدول ۱ مقادیر شاخص‌های مجذور خی بر درجه آزادی^۴، برازندگی^۵، برازندگی تطبیقی^۶، برازندگی افزایشی^۷، برازندگی هنجار شده^۸ و ریشه دوم واریانس خطای تقریب^۹ درج شده است.

ندارم که به حرف‌هایم گوش دهند؛ خودمختاری^۱ (ماده‌های ۱۱ تا ۱۶، برای نمونه، در صورتی که دوستان یا خانواده‌ام با تصمیم من مخالف باشند اغلب تصمیم خود را تغییر می‌دهم) و توسعه زندگی^۲ (۱۷ تا ۲۰، برای نمونه، فکر می‌کنم چیزهایی را که تجربه می‌کنم فرصتی برای رشد و تبدیل شدن به فردی بهتر است) نشان می‌دهد. از میان ماده‌های مقیاس، ماده‌های ۶، ۷، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. ضرایب آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۷۹، ۰/۷۹ و ۰/۸۰ و برای بهزیستی روان‌شناختی کل ۰/۹۵ به دست آمد (گومز-لوپز و دیگران، ۲۰۱۹). از آنجایی که نسخه فارسی این مقیاس نیز در ایران دردسترس نبود، روایی و اعتبار مقیاس در این پژوهش بررسی شد؛ برای بررسی اعتبار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب آلفای کرونباخ برای بهزیستی کل، ۰/۹۲ محاسبه شد. هم‌چنین از روش تحلیل عامل تأییدی برای بررسی روایی استفاده شد. چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش از مقادیر مطلوبی برخوردار بود.

مقیاس پذیرش ادراک شده^۳ (بروک،

ساراسون، سنگوی و گورونگ، ۱۹۹۸). نسخه اصلی مقیاس دارای ۴۴ ماده است که پذیرش ادراک شده توسط مادر، پدر، خویشاوندان و دوستان و همسالان را موردسنجش قرار می‌دهد. برای بررسی پذیرش ادراک شده همسالان از ۱۲ ماده مرتبط با پذیرش توسط دوستان و همسالان (برای نمونه: من بخش مهمی از زندگی دوستانم هستم) استفاده و برای نمره‌گذاری از مقیاس شش گزینه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) استفاده شد. در نسخه اصلی، ضریب آلفای کرونباخ این زیرمقیاس ۰/۹۲ محاسبه شده است. از آنجایی که نسخه فارسی این مقیاس در ایران

1 - autonomy

2 - life development

3 - The Perceived Acceptance Scale (PAS)

4 - Normed Chi-Square (CMIN/DF)

5 - Goodness-of-Fit Index (GFI)

6 - Comparative Fit Index (CFI)

7 - Incremental Fit Index (IFI)

8 - Normed Fit Index (NFI)

9 - Root Mean Square Error of Approximation (RMSA)

جدول ۱

شاخص‌های نیکویی برازش در تحلیل عاملی تأییدی مقیاس‌های پژوهش

مقیاس	χ^2/df	GFI	CFI	IFI	NFI	RMSA
در دسترس بودن عاطفی مادر	۱/۱۳	۰/۹۷	۰/۹۹۷	۰/۹۹۷	۰/۹۸	۰/۰۲
در دسترس بودن عاطفی پدر	۰/۸۶	۰/۹۸	۱	۱	۰/۹۹	۰/۰۰
سرکوب	۰/۱۰	۱	۱	۱	۰/۹۹۹	۰/۰۰
تقویت	۰/۰۶	۰/۹۹	۱	۱	۰/۹۹	۰/۰۱
بهزیستی روان‌شناختی	۱/۱۰	۰/۹۷	۰/۹۹۷	۰/۹۹۷	۰/۹۷	۰/۰۲
پذیرش ادراک شده	۰/۰۸	۰/۹۸	۰/۹۹۸	۰/۹۹۸	۰/۹۸	۰/۰۲

به‌منظور ارائه تصویر روشنی از ارتباط میان متغیرهای پژوهش، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد بین همه متغیرهای پژوهش ارتباط مثبت

معنادار وجود دارد. در مجموع، نتایج حاصل از بهنجار بودن، هم‌خطی، دوربین - واتسون و روابط همبستگی میان متغیرهای پژوهش، شرایط اولیه برای ورود متغیرها به مدل و انجام تحلیل مسیر را فراهم کرد.

جدول ۲

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	کجی	کشیدگی	شاخص تحمل	شاخص تورم واریانس
دردسترس بودن عاطفی مادر	۵۹/۲۸	۱۸/۴۴	-۰/۰۳	-۰/۵۰	۰/۳۵	۲/۹۹
دردسترس بودن عاطفی پدر	۵۴/۱۵	۱۲/۸۵	۰/۰۰۱	۰/۱۶	۰/۳۴	۲/۸۸
تقویت بیان هیجانانگ	۲۲/۹۹	۶/۵۹	-۰/۰۲	-۰/۴۴	۰/۲۳	۴/۴۳
سرکوب بیان هیجانانگ	۱۸/۹۵	۴/۹۲	-۰/۰۹	۰/۱۸	۰/۲۴	۴/۲۱
پذیرش از جانب همسالان	۳۷/۴۷	۹/۱۰	-۰/۱۱	۰/۳۴	۰/۳۴	۲/۹۵
بهزیستی روان‌شناختی	۷۲/۹۲	۱۵/۸۳	۰/۰۲	-۰/۷۶	۰/۲۶	۳/۸۹

پس از بررسی داده‌های پرت و دورافتاده، یک شرکت کننده به دلیل قرار گرفتن در محدوده داده‌های دورافتاده حذف شد و در نهایت به‌منظور آزمون واسطه‌مندی انعطاف‌پذیری بیان هیجانانگ

و پذیرش ادراک شده از جانب همسالان در رابطه بین دردسترس بودن عاطفی والدین با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان از روش تحلیل مسیر استفاده شد.

جدول ۳

ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱. دردسترس بودن عاطفی مادر	-				
۲. دردسترس بودن عاطفی پدر	۰/۷۳*	-			
۳. تقویت	۰/۷۵*	۰/۷۳*	-		
۴. سرکوب	۰/۷۱*	۰/۷۳*	۰/۸۴*	-	
۵. پذیرش از جانب همسالان	۰/۶۶*	۰/۷۰*	۰/۶۷*	۰/۶۹*	-
۶. بهزیستی روان‌شناختی	۰/۷۱*	۰/۷۱*	۰/۷۷*	۰/۷۷*	۰/۷۸*

* $p < ۰/۰۰۱$

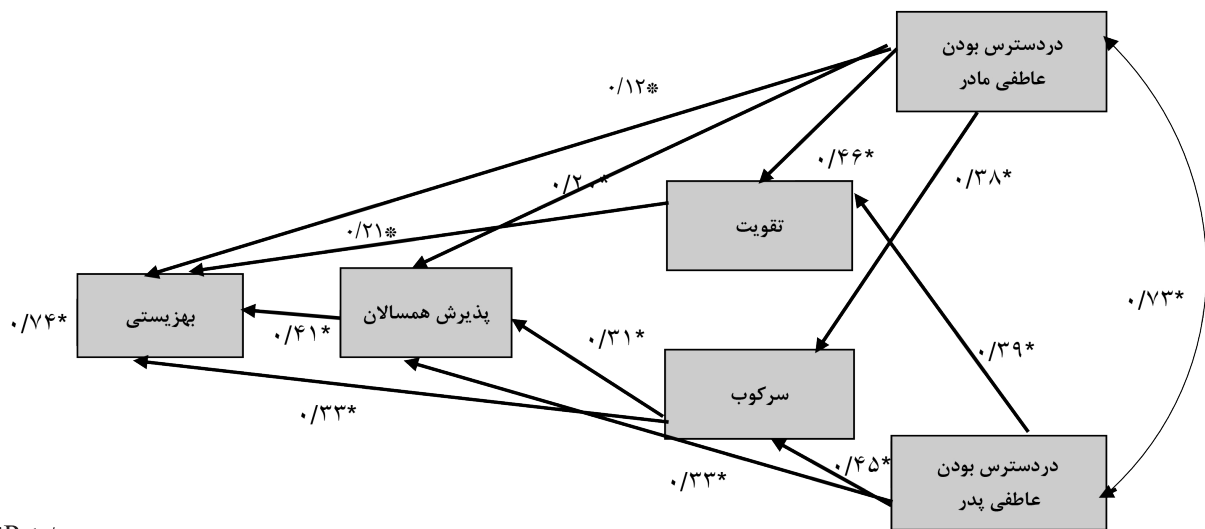
نتایج حاصل از برازش مدل در جدول ۴ نشان می‌دهد

شاخص‌های برازندگی مدل دارای برازش خوبی هستند

جدول ۴
شاخص‌های نیکویی برازش مدل

RMSA	NFI	IFI	CFI	GFI	2χ/df	شاخص برازش
۰/۰۰۱	۱	۱	۱	۰/۹۹	۰/۶۱۰	مدل نهایی
< ۰/۰۸	> ۰/۹۵	> ۰/۹۵	> ۰/۹۵	> ۰/۹۵	< ۳	حد مجاز

شکل نهایی مدل با گزارش ضرایب بتای استانداردشده هر مسیر در شکل ۱ ارائه شده است.



*P<۰/۰۰۱

شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

پذیرش ادراک‌شده همسالان به‌وسیله دردسترس بودن عاطفی مادر و پدر و سرکوب تبیین شد. در جدول ۵ میزان برآورد استاندارد مسیرهای مستقیم در مدل و جدول ۶ نتایج آزمون روابط غیرمستقیم با استفاده از روش بوت استراپ گزارش شده است.

در مدل شکل ۱، تمام اثرات مستقیم (به‌جز دردسترس بودن عاطفی پدر بر بهزیستی روان‌شناختی و تقویت بر پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان) معنادار بود (P<۰/۰۰۱). بر اساس یافته‌ها، ۷۴ درصد از واریانس بهزیستی روان‌شناختی توسط همه متغیرهای پیشایند و ۵۸ درصد از واریانس

جدول ۵

بررسی مسیرهای مستقیم استاندارد در مدل

P	نسبت بحرانی	SD	برآورد استاندارد	مسیر
۰/۰۰۱	۷/۱۴	۰/۰۱	۰/۳۸	دردسترس بودن عاطفی مادر به سرکوب بیان هیجان
۰/۰۰۱	۹/۱۹	۰/۰۲	۰/۴۶	دردسترس بودن عاطفی مادر به تقویت بیان هیجان
۰/۰۰۱	۳/۴۰	۰/۰۳	۰/۲۰	دردسترس بودن عاطفی مادر به پذیرش از جانب همسالان
۰/۰۰۹	۲/۶۳	۰/۰۴	۰/۱۲	دردسترس بودن عاطفی مادر به بهزیستی روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۸/۶۲	۰/۰۲	۰/۴۵	دردسترس بودن عاطفی پدر به سرکوب بیان هیجان
۰/۰۰۱	۷/۸۵	۰/۰۳	۰/۳۹	دردسترس بودن عاطفی پدر به تقویت بیان هیجان
۰/۰۰۱	۵/۴۰	۰/۰۴	۰/۳۳	دردسترس بودن عاطفی پدر به پذیرش از جانب همسالان
۰/۰۰۱	۵/۳۵	۰/۱۱	۰/۳۱	سرکوب بیان هیجان به پذیرش از جانب همسالان
۰/۰۰۱	۳/۷۸	۰/۱۹	۰/۳۳	سرکوب بیان هیجان به بهزیستی روان‌شناختی
۰/۰۰۱	۳/۷۶	۰/۱۴	۰/۲۱	تقویت بیان هیجان به بهزیستی روان‌شناختی

مسیر	داده	سوگیری	خطا	حد پایین	حد بالا
دردسترس بودن عاطفی مادر به پذیرش همسالان از طریق سرکوب	۰/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۲۴
دردسترس بودن عاطفی پدر به پذیرش از جانب همسالان از طریق سرکوب	۰/۱۴	۰/۰۰۱	۰/۰۵	۰/۲۶	۰/۴۹
دردسترس بودن عاطفی مادر به بهزیستی از طریق سرکوب، تقویت و پذیرش همسالان	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶	۰/۲۰	۰/۴۷
دردسترس بودن عاطفی پدر به بهزیستی از طریق سرکوب، تقویت و پذیرش همسالان	۰/۳۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶	۰/۲۶	۰/۴۹
سرکوب به بهزیستی از طریق پذیرش همسالان	۰/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۲۲

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۶، داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که دردسترس بودن عاطفی مادر ($\beta=0/31, P<0/001$) و پدر ($\beta=0/38, P<0/001$) به صورت غیرمستقیم و از طریق واسطه‌گری تقویت و سرکوب بیان هیجانات و پذیرش ادراک شده از جانب همسالان، بهزیستی روان‌شناختی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین دردسترس بودن عاطفی مادر ($\beta=0/12, P<0/001$) و پدر ($\beta=0/14, P<0/001$) به صورت غیرمستقیم و تنها با واسطه‌گری سرکوب بیان هیجانات، پذیرش ادراک شده از جانب همسالان را در نوجوانان پیش‌بینی نمودند. از سوی دیگر، اثر غیرمستقیم مسیر بین سرکوب بیان هیجانات و بهزیستی روان‌شناختی با واسطه‌گری پذیرش ادراک شده از جانب همسالان نیز معنی‌دار بود ($\beta=0/13, P<0/001$).

بحث

این پژوهش با هدف تعیین نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری بیان هیجانات (سرکوب و تقویت) و پذیرش ادراک شده از جانب همسالان در رابطه بین دردسترس بودن عاطفی والدین با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان انجام شد. به‌طور کلی نتایج نشان داد مدل مفروض واسطه‌مندی دو مؤلفه انعطاف‌پذیری بیان هیجانات (تقویت و سرکوب) و پذیرش ادراک شده از جانب همسالان در رابطه بین دردسترس بودن عاطفی هر دو والد و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان با داده‌ها برآزش قابل قبولی دارد. این یافته با بخشی از نتایج پژوهش‌های پیشین در این زمینه همسو است. برای مثال

پژوهش گوکچه و ییلماز (۲۰۱۸) نشان داد که دشواری در نظم‌جویی هیجان، اثر واسطه‌ای کاملی بر رابطه بین دردسترس بودن عاطفی مادر و پدر و سلامت روانی دارد. همچنین مطالعه کیم و سیجی (۲۰۱۰) نیز همسو با نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تجربه غفلت، سوءاستفاده و انواع بدرفتاری والدین با بی‌نظمی هیجانی نوجوانان و بی‌نظمی هیجانی نیز با علائم برونی‌سازی بیشتر در طول زمان همراه است که به طرد بعدی همسالان منجر می‌شود. دهبزرگی و داوودی (۲۰۲۰) در پژوهش خود دریافتند که دشواری در نظم‌جویی هیجان در رابطه بین دلبستگی به والدین و علائم اختلال اضطراب اجتماعی در دختران نوجوان نقش واسطه‌ای دارد. کارمن و وینگرهوتز (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود به نقش واسطه‌ای راهبردهای نظم‌جویی هیجانی به‌ویژه ارزیابی مجدد، در رابطه بین دلبستگی ایمن و بهزیستی تأکید کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد که دسترسی عاطفی والدین به‌طور مختلف بر روابط بین فردی کودکان تأثیر می‌گذارد که یکی از مهم‌ترین این مسیرها تنظیم هیجانات درونی و بیرونی است. نظریه دلبستگی که مبنای آن رابطه والد-فرزند است، چهارچوبی برای دردسترس بودن عاطفی والدین فراهم می‌کند.

بر اساس نظریه دلبستگی (بالبی، ۱۹۶۹)، کیفیت تعامل با مراقبین در دوره‌های اولیه زندگی در شکل‌گیری بازنمایی‌های مثبت یا منفی در مورد خود و دیگران سهم دارد. علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان داده‌اند بازنمایی ذهنی افراد در مورد خود و دیگران

ممکن است تنها در تعاملات دوران کودکی ریشه نداشته باشد، بلکه می‌تواند ناشی از کیفیت روابط کنونی والدین و فرزندان باشد (موریس و دیگران، ۲۰۱۷). در این راستا، می‌توان در نظر گرفت که روابط با والدین دردسترس از نظر عاطفی، بر دیدگاه فرد نسبت به دیگران از طریق بازنمایی‌های ذهنی مثبت مانند باور دردسترس و مفید بودن دیگران تأثیر مثبت گذاشته و فرد را در برقراری صمیمیت و ایجاد روابط سازش‌یافته مجهزتر کند (میکولینسر و شیور، ۲۰۱۲). علاوه‌براین، به‌نظر می‌رسد بازنمایی‌های ذهنی از والدین، راهبردها، افکار و رفتارهای اساسی نظم‌جویی هیجان را در روابط نزدیک شکل می‌دهند (بالبی، ۱۹۶۹)؛ بنابراین، بازنمایی تعاملات با والدین نه‌تنها بر روابط فرد با دیگران تأثیر می‌گذارد بلکه انتظار می‌رود که رویهٔ پردازش اطلاعات، نظم‌جویی هیجان و رفتارهای خاص در رابطه را نیز شکل دهد (حاجال و پالی، ۲۰۲۰).

همان‌طور که در این پژوهش به آن پرداخته شد، سبک استفادهٔ انعطاف‌پذیر در بیان هیجانات دارای ظرفیت بالقوه‌ای برای تسهیل روابط بین‌فردی از طرق بیان نیازها و هیجانات و نزدیک شدن به‌طرف مقابل به شیوه‌ای پذیرنده، محترمانه و سازنده است و به ارسال پیام مناسب ارتباطی و پذیرش از طرف دیگران کمک می‌کند (وانگ و هاوک، ۲۰۲۰). مطابق با دیدگاه چن و دیگران (۲۰۱۸)، افراد با نظم‌جویی هیجانی مناسب می‌توانند به طیف وسیعی از مطالبات، پاسخ‌هایی که از نظر اجتماعی قابل قبول و به‌انداز کافی انعطاف‌پذیرند ارائه دهند. از منظر نظریهٔ دلبستگی، کودکان دلبستهٔ ایمن می‌توانند به‌طور مؤثری از والدین برای نظم‌جویی هیجانات خود استفاده‌کنند (بالبی، ۱۹۶۹)؛ درواقع، نقش مراقب حساس، تعدیل برانگیختگی نوزاد به دنبال نارضایتی شدید، ترس یا سرخوردگی به‌وسیلهٔ تسکین و بازگرداندن او به حالت عاطفی قابل تحمل است (ون‌لیزا و دیگران، ۲۰۱۹). در خانواده‌های بدرفتار، والدین در صورت ناراحتی فرزندان کمتر

می‌توانند از حمایت و داریست استفاده کنند، از این‌رو فرزندان نمی‌توانند راهکارهای سازنده‌ای برای تنظیم حالات هیجانی خود بیاموزند. در مجموع می‌توان گفت انعطاف‌پذیری در بیان هیجانات ممکن است با ارتقاء سیگنال‌دهی مناسب اجتماعی (مانند درک و همدلی) که برای ارتباطات اجتماعی بسیار مهم است، توانایی نوجوانان را در برقراری روابط مثبت با همسالان تسهیل کند (کیم و سیچتی، ۲۰۱۰).

از طرف دیگر، سبک‌های دلبستگی نه‌تنها برای تعاملات نوجوانان با همسالان بلکه برای بهزیستی آن‌ها که نشان‌دهندهٔ کیفیت ذهنی زندگی شامل خلق مثبت، سرزندگی و علاقه‌مندی است، نیز مهم تلقی می‌شود. سبک‌های دلبستگی از لحاظ نظری از طریق الگوهای ارزیابی تنیدگی با بهزیستی روان‌شناختی مرتبط است، به‌این معنی که این الگوها با باورها و انتظارات فرد در مورد توانایی مقابله یا مقاومت در برابر عوامل تنیدگی‌زا در ارتباط است و احساس کنترل بر زندگی و خودمختاری فرد را با این شیوه افزایش می‌دهند (میکولینسر و شیور، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، نظم‌جویی هیجانات اساساً شامل ارزیابی رویدادهای تنیدگی‌زا به‌عنوان تهدیدآمیز یا غیرتهدیدآمیز و شیوه‌های برخورد فرد با عوامل تنیدگی‌زاست. همچنین، ادبیات موجود، تأثیر دردسترس بودن عاطفی والدین بر جنبه‌های مختلف هیجانی و رفتاری کودک را نشان می‌دهند (برای مثال کیم و سیچتی، ۲۰۱۰)؛ بنابراین به نظر می‌رسد مؤلفه‌های مربوط به نظم‌جویی هیجان در ارتباط بین دردسترس بودن عاطفی والدین و ارتقاء روابط اجتماعی و بهزیستی یا آسیب‌شناسی روانی نقش واسطه‌ای داشته باشد. با این حال، با توجه به نتایج این پژوهش، تنها دردسترس بودن عاطفی مادر است که رابطهٔ مستقیم مثبت معناداری با بهزیستی روان‌شناختی دارد و به‌نظر می‌رسد که دست‌کم در نوجوانی، تأثیر دردسترس بودن عاطفی پدر بر بهزیستی روان‌شناختی بیشتر به‌طور غیرمستقیم و از طریق کمک به نظم‌جویی هیجانات و ارتقای

هیجانان به‌عنوان عاملی در جهت پذیرش اجتماعی کمتر و کیفیت پایین روابط و کاهش میزان ادراک فرد از بهزیستی در نظر گرفته می‌شود؛ اما یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های دیگر همسو نیست بلکه حاکی از این است که تنها سرکوب بیان هیجانان در رابطه بین در دسترس بودن عاطفی هر دو والد و پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان نقش واسطه‌ای مثبت معنادار و هر دو مؤلفه سرکوب و بیان هیجانان در رابطه بین در دسترس بودن عاطفی والدین با بهزیستی روان‌شناختی، نقش واسطه‌ای دارند.

البته بایستی این نکته را مدنظر قرار داد که یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های اخیراً بر روی جوامع آسیایی با فرهنگ جمعی‌نگر مانند چین (برای مثال وانگ و هاوک، ۲۰۲۰ الف؛ وانگ و دیگران، ۲۰۲۰) و هند (استریکلند و اسکولنیک، ۲۰۲۰) همسو است. در چنین جوامعی، هنجار اجتماعی غالب این است که از ابراز هیجانان به‌منظور ارتقاء روابط اجتماعی جلوگیری شود؛ این موضوع نقش فرهنگ را در تنظیم بیان هیجانی و پیامدهای آن برجسته‌تر می‌کند. در واقع، تمایل به قوانین نانوشته متفاوتی برای بروز هیجانان در فرهنگ‌های جمعی‌نگر وجود دارد که سرکوب هیجانان را بر بیان هیجانان ترجیح می‌دهد (ماتسوموتو و دیگران، ۲۰۰۸). به‌همین دلیل ممکن است مهارت خاص تقویت بیان، برای روابط اجتماعی از مهارت سرکوب، اهمیت کمتری داشته باشد و این نکته لزوم بررسی توانایی‌های تنظیمی فردی را علاوه بر ساختار انعطاف‌پذیری بیانی کلی مورد تأکید قرار می‌دهد. براین اساس ممکن است، در فرهنگ‌های جمعی‌نگر کودکانی که در سرکوب هیجانان مهارت دارند در تعاملات اجتماعی موردپسند بیشتری قرار گیرند و از سوی دیگر در چنین جوامعی، سرکوب نیز همچون تقویت بیان هیجانان در افزایش رفتارهای سازش‌یافته که منجر به بالابردن ادراک بهزیستی می‌شوند سهم بسزایی داشته باشد (استریکلند و اسکولنیک، ۲۰۲۰). باتوجه

روابط بین‌فردی در نوجوانان صورت می‌گیرد. افزون بر این نتایج این پژوهش نشان داد در دسترس بودن عاطفی پدر نیز مانند مادر اثرات مستقیمی بر دو مؤلفه انعطاف‌پذیری بیان هیجانان - یعنی تقویت و سرکوب- و همچنین اثرات مستقیم و غیرمستقیم با پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان و تأثیر غیرمستقیم بر بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان دارد. این یافته با پژوهش‌های سان (۲۰۲۰) و ون‌لیزا و دیگران (۲۰۱۹) بر اهمیت نقش پدر در پرورش مهارت‌های نظم‌جویی هیجانی همسو است. پدر و مادر نقش‌های متفاوتی را در رشد و توسعه راهبردهای نظم‌جویی هیجان ایفا می‌کنند. به عقیده پاکوئت (۲۰۰۴)، رابطه «دلبستگی» که ریشه در گرایش والدین به تسکین کودک در شرایط تنیدگی‌زا دارد، روابط مادر و فرزند را به بهترین شکل مشخص می‌کند. از سوی دیگر، ارتباط با پدر، به‌عنوان «رابطه فعال‌سازی» تعبیر می‌شود به این معنی که پدران کودکان را تشویق می‌کنند با پذیرش خطر، بر موانع غلبه کنند. این امر کودکان را به روی جهان گشوده می‌گرداند، اطاعت کردن را به آن‌ها می‌آموزد و مهارت‌های هیجانی را در شرایط مختلف اجتماعی بهبود می‌دهد و بدین ترتیب فرصت نظم‌جویی هیجانان را با در نظر گرفتن موقعیت، به‌صورت مستقل و خودمختار که از ویژگی‌های برجسته نوجوانی است فراهم می‌سازد (پاکوئت، ۲۰۰۴). درحالی‌که در دوران کودکی و نوزادی مادر به‌عنوان نماد اصلی دلبستگی شناخته می‌شود نتیجه به‌دست‌آمده می‌تواند حاکی از این باشد که با بزرگ‌تر شدن کودک و ورود به مرحله نوجوانی، میزان تأثیر پدر و مادر در توسعه مهارت‌های نظم‌جویی هیجانی تا حدودی یکسان است. براساس پیشینه مطالعاتی که غالباً در کشورهای غربی صورت گرفته است (رجوع شود به آلدائو، نولن - هوکسما و شویزر، ۲۰۱۰)، تقویت بیان هیجانان به‌عنوان مؤلفه‌ای حیاتی در ارتقای روابط بین‌فردی و جنبه‌های مختلف بهزیستی و سرکوب بیان

به مطالب گفته‌شده می‌توان تأکید کرد سرکوب به‌خودی‌خود ممکن است نتایج ضعیف‌تری به دنبال نداشته باشد. در عوض، توانایی قضاوت فرد در مورد مطالبات موقعیتی و انتخاب انعطاف‌پذیر سرکوب بیان هیجان در صورت نیاز، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده سازش‌یافته‌تری باشد (بونانو و دیگران، ۲۰۰۴).

در نهایت با توجه به تأثیر معنادار پذیرش ادراک‌شده از جانب همسالان بر بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان، باید توجه داشت روابط بین‌فردی با همسالان نقش مهمی در درک نوجوان از بهزیستی دارد. در واقع فرایندهای فردیت‌یافتن و هویت‌سازی در دوران نوجوانی رخ می‌دهد؛ در این دوره نوجوانان شروع به متمایز شدن از والدین خود کرده و به همسالان نزدیک می‌شوند، بنابراین دور از انتظار نیست که پذیرش بیشتر از سوی همسالان، سلامت روانی و بهزیستی آن‌ها را افزایش دهد (مک‌ماهون و دیگران، ۲۰۲۰). باین‌حال، باید توجه داشت که تحول هویت (فردیت) مستلزم ایجاد احساس خودمختاری در عین توسعه و حفظ روابط نزدیک با دیگران است. اکتشاف و دستیابی به هویت سالم، یکی از مؤلفه‌های بهزیستی روان‌شناختی، شامل فرایندهای هم‌زمان شکل‌گیری خودمختاری در روابط نزدیک با همسالان و قرار گرفتن در گروه بزرگ‌تری است که در آن فرد احساس پذیرش کند (بلیک‌مور و میلز، ۲۰۱۴)؛ بنابراین می‌توان گفت که هرچه پذیرش از سوی همسالان بیشتر ادراک شده و ارزیابی آن‌ها از خود را مثبت تلقی کند، خودپنداشت مثبت‌تری نیز در نوجوان شکل گرفته که این امر به‌نوبه خود پیامدهای مثبتی از نظر تحول فردی، معنایی، دستیابی به اهداف و بهزیستی روان‌شناختی کلی را در پی دارد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش این است که جامعه آماری این پژوهش دختران نوجوان ۱۶-۱۱ ساله شهر شیراز بود که تعمیم یافته‌ها به جوامع و سنین دیگر و همچنین پسران نوجوان را محدود می‌سازد. محدودیت دومی که بایستی مدنظر قرار گیرد مقطعی بودن این پژوهش است که استنباط‌های محدودی

را در مورد جهت‌گیری روابط ارائه می‌دهد. همچنین در این پژوهش از روی آورد تک روش (پرسشنامه خودگزارش‌دهی) استفاده شده است. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده از روی آوردهای چندروشی چندمرحله‌ای برای افزایش اطمینان در اندازه‌گیری متغیرهای کلیدی استفاده شود.

منابع

- Aldao, A., Nolen-Hoeksema, S., & Schweizer, S. (2010). Emotion-regulation strategies across psychopathology: A meta-analytic review. *Clinical Psychology Review, 30*(2), 217–237.
- Aran, P., Lewis, A. J., Watson, S. J., & Galbally, M. (2021). Major depression and generalised anxiety disorder: An analysis of the effects of remission status and comorbidity on mother-infant emotional availability in the perinatal period. *Journal of Clinical Psychology, 78*(4), 570-589.
- Bar-Tur, L., Ifrah, K., Moore, D., & Katzman, B. (2019). Exchange of emotional support between adult children and their parents and the children's well-being. *Journal of Child and Family Studies, 28*(2), 1250–1262.
- Blakemore, S. J., & Mills, K. L. (2014). Is adolescence a sensitive period for sociocultural processing? *Annual Review of Psychology, 65*(1), 187–207.
- Bonanno, G. A., Papa, A., Lalande, K., Westphal, M., & Coifman, K. (2004). The importance of being flexible: The ability to both enhance and suppress emotional expression predicts long-term adjustment. *Psychological Science, 15*(7), 482–487.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Vol.1. Attachment*. London, United Kingdom: Pimlico.
- Bretherton I. (2000). Emotional availability: An attachment perspective. *Attachment & Human Development, 2*(2), 233–250.
- Brock, D. M., Sarason, I. G., Sanghvi, H., & Gurung, R. A. R. (1998). The Perceived Acceptance Scale: Development and validation. *Journal of Social and Personal Relationships, 15*(1), 5–21.
- Canning, J., Denny, S., Bullen, P., Clark, T., & Rossen, F. (2012). Influence of positive development opportu-

- Karreman, A., & Vingerhoets, A. J. J. M. (2012). Attachment and well-being: The mediating role of emotion regulation and resilience. *Personality and Individual Differences, 53*(7), 821–826.
- Kim, J., & Cicchetti, D. (2010). Longitudinal pathways linking child maltreatment, emotion regulation, peer relations, and psychopathology. *Journal of Child Psychology and Psychiatry, and Allied Disciplines, 51*(6), 706–716.
- Laursen, B., & Hartl, A. C. (2013). Understanding loneliness during adolescence: Developmental changes that increase the risk of perceived social isolation. *Journal of Adolescence, 36*(6), 1261–1268.
- Lum, J. J., & Phares, V. (2005). Assessing the emotional availability of parents. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment, 27*(3), 211–226.
- Matsumoto, D., Yoo, S. H., & Nakagawa, S. (2008). Culture, emotion regulation, and adjustment. *Journal of Personality and Social Psychology, 94*(6), 925–937.
- McMahon, G., Creaven, A. M., & Gallagher, S. (2020). Stressful life events and adolescent well-being: The role of parent and peer relationships. *Stress and Health, 36*(3), 299–310.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2012). An attachment perspective on psychopathology. *World Psychiatry: Official Journal of the World Psychiatric Association, 11*(1), 11–15.
- Morris, A. S., Houlterberg, B. J., Criss, M. M., & Bosler, C. (2017). Family context and psychopathology: The mediating role of children's emotion regulation. In L. Centifanti & D. Williams (Eds.), *the Wiley Handbook of Developmental Psychopathology* (pp. 365–389). Hoboken, NJ: Wiley
- Özdoğan, A.Ç. (2020). The mediating role of loneliness in the relationship between parental emotional availability, romantic relationship quality, and social connectedness and well-being. Pamukkale University *Journal of Education, 12*(3), 121–145.
- Palmer, C. A., Oosterhoff, B., Bower, J. L., Kaplow, J. B., & Alfano, C. A. (2018). Associations among adolescent sleep problems, emotion regulation, and affective disorders: Findings from a nationally representative sample. *Journal of Psychiatric Research, 96*(1), 1–8.
- nities on student well-being, depression and suicide risk: The New Zealand Youth Health and Well-being Survey.
- Chen, S., Chen, T., & Bonanno, G. A. (2018). Expressive flexibility: Enhancement and suppression abilities differentially predict life satisfaction and psychopathology symptoms. *Personality and Individual Differences, 126*(5), 78–84.
- Deci, E., & Ryan, R. (2008). Hedonia, eudaimonia, and well-being: An introduction. *Journal of Happiness Studies, 9*(1), 1–11.
- Deh Bozorgi, Y., & Davoodi, A. (2020). Mediator role of difficulty in emotion regulation in relation between attachment to parents and social anxiety disorder symptoms in adolescent females. *Shenakht Journal of Psychology & Psychiatry, 7*(1), 43–56. [In Persian].
- Dvorsky, M. R., Kofler, M. J., Burns, G. L., Luebke, A. M., Garner, A. A., Jarrett, M. A., et al. (2019). Factor structure and criterion validity of the Five Cs Model of positive youth development in a multi-university sample of college students. *Journal of Youth and Adolescence, 48*(3), 537–553.
- Etkin, P., De Caluwé, E., Ibáñez, M. I., Ortet, G., & Mezquita, L. (2022). Personality development and its associations with the bifactor model of psychopathology in adolescence. *Journal of Research in Personality, 97*, 104205.
- Gökçe, G., & Yılmaz, B. (2018). Emotional availability of parents and psychological health: What does mediate this relationship? *Journal of Adult Development, 25*(3), 37–47.
- Gómez-López, M., Viejo, C., & Ortega-Ruiz, R. (2019). Psychological well-being during adolescence: Stability and association with romantic relationships. *Frontiers in Psychology, 10*(8), 1772.
- Guo, Y., Killoren, S., & Campione-Barr, N. (2022). Strategies and reasons for nondisclosure in close relationships during adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 51*(9), 1841–1857.
- Hajal, N. J., & Paley, B. (2020). Parental emotion and emotion regulation: A critical target of study for research and intervention to promote child emotion socialization. *Developmental Psychology, 56*(3), 403–417.

- Son, H. (2020). *Maternal and paternal emotion socialization: Relations to expressive flexibility in American and South Korean children*. Educational Studies Dissertations, Lesley University.
- Soper, D. S. (2021). A priori sample size calculator for structural equation models [Software].
- Strickland, M. G., & Skolnick, A. J. (2020). Expressive flexibility and trait anxiety in India and the United States. *Personality and Individual Differences, 163*(9), 110–116.
- Trommsdorff, G., Cole, P. M., & Heikamp, T. (2012). Cultural variations in mothers' intuitive theories: A preliminary report on interviewing mothers from five nations about their socialization of children's emotions. *Global Studies of Childhood, 2*(1), 158-169.
- Van Lissa, C. J., Keizer, R., Van Lier, P., Meeus, W., & Branje, S. (2019). The role of fathers versus mothers' parenting in emotion-regulation development from mid-late adolescence: Disentangling between-family differences from within-family effects. *Developmental Psychology, 55*(2), 377–389.
- Wang, Y., & Hawk, S. T. (2020a). Expressive enhancement, suppression, and flexibility in childhood and adolescence: *Longitudinal links with peer relations. Emotion* (Washington, D.C.), *20*(6), 1059–1073.
- Wang, Y., & Hawk, S. T. (2020b). Development and validation of the Child and Adolescent Flexible Expressiveness (CAFE) Scale. *Psychological Assessment, 32*(4), 358–373.
- Wang, Y., Hawk, S. T., & Zong, W. (2020). Bidirectional effects between expressive regulatory abilities and peer acceptance among Chinese adolescents. *Journal of Experimental Child Psychology, 199*(11), 104891.
- Weymouth, B. B., Buehler, C., Zhou, N., & Henson, R. A. (2016). A meta-analysis of parent-adolescent conflict: Disagreement, hostility, and youth maladjustment. *Journal of Family Theory & Review, 8*(1), 95–112.
- Ziv, Y., Capps Umphlet, K., Olarte, S., & Venza, J. (2018). Early childhood trauma in high-risk families: Associations with caregiver emotional availability and insightfulness, and children's social information processing and social behavior. *Attachment and Human Development, 20*, 309–332.
- Paquette, D. (2004). Theorizing the father-child relationship: Mechanisms and developmental outcomes. *Human Development, 47*(4), 193–219.
- Patton, G. C., Sawyer, S. M., Santelli, J. S., Ross, D. A., Afifi, R., Allen, N. B., et al. (2016). Our future: A lancet commission on adolescent health and well-being. *Lancet (London, England), 387*(10036), 2423–2478.
- Perry-Parrish, C., Webb, L., Zeman, J., Spencer, S., Malone, C., Borowski, S., et al. (2017). Anger regulation and social acceptance in early adolescence: Associations with gender and ethnicity. *The Journal of Early Adolescence, 37*(4), 475–501.
- Rezaei Varmazyar, M. (2018). The relationship between perceived social supports with psychological well-being: The mediator role of developmental assets. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists, 15*(58), 175-188. [In Persian].
- Rothbaum, F., & Wang, Y. Z. (2012). Fostering the child's malleable views of the self and the world: Caregiving practices in East Asian and European-American communities. In B. Mayer & H.-J. Kornadt (Eds.), *Psychologie Kultur Gesellschaft (Psychology- Culture- Society)* (pp. 101 -120). Wiesbaden, Germany: VS Verlag fur Sozialwissenschaften.
- Ryff, C. D. (2017). Eudaimonic well-being, inequality, and health: Recent findings and future directions. *International Review of Economics, 64*(2), 159–178.
- Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology, 57*(6), 1069.
- Seligman, M. E., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive psychology: An introduction. *The American Psychologist, 55*(1), 5–14.
- Seligman, M. E. (2008). Positive health. *Applied Psychology, 57*(6), 3-18.
- Seyed Mousavi, P., Nouri Moghadam, S. (2016). Attachment and developmental outcomes: The role of mental representations in predicting internalizing and externalizing problems in preschool children. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists, 12*(47), 263-251. [In Persian].